



## موزه خوانی آثار هنری کتابخانه و موزه ملی ملک

رضا دبیری نژاد\*

کتابخانه و موزه ملی ملک نهادی است که اینک ۷۸ سال از پیدایش و ۱۰۵ سال از زمان نیت واقف آن برای گردآوری می‌گذرد. مجموعه‌های متنوعی از آثار تاریخی، فرهنگی و هنری در آن تجمیع شده است؛ از نقاشی و نگارگری تا آثار لاکسی، خوشنویسی، کتابت، فرش، منسوجات و هنرهای تزئینی که از منظر مجموعه‌های هنری به آن جایگاه ویژه‌ای می‌دهد. در مواجهه با گنجینه هنری موجود در کتابخانه و موزه ملی ملک نمی‌توان آن را مجموعه‌ای دارای یک خوانش دید و صرفاً از یک منظر به آن نگریست، بلکه با مجموعه یا متنی دارای ابعاد مختلف روبرو هستیم که زوایای گوناگونی را با هم درگیر می‌کند. مجموعه‌های هنری از سویی بر ارزش‌های هنری و تاریخی خود تأکید دارند و به‌طور معمول این ارزش‌ها معنای این آثار را می‌سازند؛ معنایی که می‌تواند حاصل مؤلف هنری آن یا برآمده از ترکیبات عناصر زیباشناختی آن باشد، اما هر اثر با ورود به موزه یا موزه‌ای شدن، آن مجموعه‌ای از معنای دیگر را به خود می‌گیرد و از ساحت معنایی محدود خود در حوزه هنر می‌گریزد. موزه‌ای شدن هم به معنای ورود به ساحت معنایی تازه است چراکه هیچ اثری به‌خودی‌خود موزه‌ای نیست بلکه قرار گرفتن آن در دل متن موزه یعنی پیوند آن با بافت معنایی موزه به آن ارزش موزه‌ای می‌دهد و آن را موزه‌ای می‌سازد. در نتیجه اینکه اثر به کدام موزه بپیوندد یا اینکه کدام موزه آن را بپذیرد و پذیرای آن در میانه متن خویش شود، اثر معناهای ویژه‌ای به خود می‌گیرد که حاصل هم‌نشینی بافتی اثر و متن موزه است.

در مجموعه‌ای که در کتابخانه و موزه ملی ملک گردآوری شده، در ساحت نخست با یک مؤلف در ساحت پدیدآورنده هنری آن روبرویم که می‌توان آن را مؤلف نخستین نامید که همواره به‌عنوان سؤال اولیه در ذهن مخاطب وجود دارد که مؤلف نخست چه نیت و منظوری داشته است. در همین ساحت با یک بافت زمینه‌ای هم روبرو هستیم؛ یعنی بافتی که اثر در آن خلق شده است. این بافت زمینه‌ای شامل بافت اجتماعی و فرهنگی تاریخ پیدایش اثر است که ناخودآگاه بر اثر تأثیر داشته و خود را در اثر جلوه داده است و می‌توان به‌مثابه معنایی ضمنی از دل اثر آن را خواند و یا بر خوانش اثر ادراک آن تأثیر دارد. این بافت را هم باید بافت اولیه نامید چراکه تنها بافت موجود در پیرامون اثر نیست. بافت اولیه بافتی است که در هنگام پیدایش اثر وجود دارد اما به دلیل حرکت زمانی قابل لمس نیست بلکه نشانه‌هایی از آن که در آثار وجود دارد قابل‌درک است، چراکه اثر با گذر زمانی از بافت اولیه خود جدا می‌شود و در بافتی دیگر قرار می‌گیرد. اثر با جدا شدن از هنرمندی که نقش آفرینشگری آن را داشته می‌توانسته در دستان دیگری مانند مرقع‌سازان و

یا کسانی دیگر قرار گرفته باشد که با کنارهم‌گذاری و با افزودن بر آن سبب ایجاد اثری دیگرگونه شده باشند که می‌توان آنها را نیز مؤلف دیگر اثر امروزی دانست.

### مؤلف گردآورنده: حاج حسین آقا ملک

در این مجموعه با مؤلف دیگری هم روبرو هستیم که نقش گردآورنده دارد، گردآوری خود یک نقش تألیفی است چراکه یک مجموعه پدید می‌آید و مجموعه پدید آمده خود به‌مثابه یک متن است. وقتی مجموعه در ساحت متن قرار می‌گیرد، گردآورنده و یا مجموعه‌دار در ساحت مؤلف قرار می‌گیرد. در این ساحت یعنی مجموعه به‌مثابه متن، هر اثر در جایگاه یک عنصر یا یک نشانه قرار می‌گیرد که بخشی از معنای مجموعه‌ای را می‌سازد. در این ساحت مؤلف نیز بخشی از نیت و اهداف خود را در ساخت متن یا مجموعه قرار می‌دهد. این قراردادی نیت و انگیزه‌ها با انتخاب و گردآوری آثار تحقق می‌یابد. یعنی در اینجا می‌توان پرسید که مؤلف گردآورنده یا حاج حسین آقا ملک چه نیت و هدفی را در انتخاب این‌گونه آثار داشته است؛ نیتی که به‌طور مشترک در همه آثار گردآوری شده مستتر است و یا با گردآوری هر اثر کامل شده است. از این رو انتخاب هر اثر را می‌توان جانشینی

بر یک معنا دانست و از سوی دیگر هم‌نشینی آثار هم معنایی می‌سازد که بخشی از آن برآمده از نیت و روایت حاج حسین ملک است. آنچه نیت و هدف مؤلف‌گراانه حاج حسین ملک در گردآوری مجموعه‌ها را می‌ساخته است را می‌توان ناشی از بافت زمینه‌ای مؤلف اعم از آموخته‌ها و باورهای او دانست. بازرگانی که امتداد همه بازرگانان ایرانی است و از سوی دیگر درس‌آموخته مکتب استادان بزرگی که از منابع ادبی، حکمی و مذهبی به او آموخته‌اند. از سوی دیگر بافت سنت‌های فرهنگ ایرانی مهم‌ترین دلیل انتخاب آثار و مجموعه‌های موجود است که شرایط تاریخی حاج حسین ملک یعنی دوره تحول و نو شدن ایران سبب توجه بیشتر به ایجاد موزه و مجموعه می‌شود. همه این‌ها ابعاد مختلف بافت زمینه‌ای مؤلف دوم یعنی حاج حسین ملک را می‌سازد که معنایی را به شکل پنهان یا آشکار به متن وارد نموده و یا آثار را با متن‌های اجتماعی و فرهنگی دیگر پیوند می‌زند. ازاین‌رو می‌توان گفت که مؤلف گردآورنده یعنی حاج حسین آقا ملک به‌واسطه معانی که همراه خود به آثار موجود متصل می‌کند یک لایه افزوده بر آثار است.

#### وقف، آستان قدس رضوی و موزه

از سوی دیگر باید در نظر داشت که حاج حسین ملک تنها بر اثر شخصیت خود و افکارش در این تألیف مؤثر نیست بلکه اعمالی دارد که برخی از آن‌ها نقش برجسته‌تری در جهت‌دهی مجموعه دارد، از مهم‌ترین این کارها وقف است، مَلِک مجموعه‌های گردآوری‌شده‌اش را وقف کرده است. خود وقف موضوع سابقه‌داری در فرهنگ ایرانی است اما از سویی باید در نظر داشت که مَلِک بر اساس اسناد موجود نخستین کسی است که اقدام به وقف موزه می‌کند. حال این وقف یک لایهٔ افزوده دیگر بر مجموعه‌های هنری است که آثار را در یک بافت دیگر قرار می‌دهد و یا به‌عبارتی دیگر آثار و مجموعه‌ها را با یک متن دیگر پیوند می‌دهد. وقف لایه‌ای است که بر کُل مجموعه سایه می‌اندازد و قطعاً این آثار را نمی‌توان بدون این لایه در نظر گرفت و به‌بیان‌دیگر اینکه مجموعه ملک با این لایه وقفی از آثار دیگر متمایز می‌شود.

حال باید در نظر بگیریم که حاج حسین آقا ملک مجموعه‌ها را وقف آستان قدس رضوی کرده است. آستان قدس رضوی سازمانی با سابقه کهن است که مجموعه‌های دیگری اعم از موزه‌ای و غیرموزه‌ای هم دارد و خود این وقف به‌نوعی سبب هم‌نشینی

مجموعه مَلِک با مجموعه‌های دیگر آستان قدس در یک حوزه می‌شود و هم‌نشینی می‌تواند در کل به سمت یک معنا برود، معنایی که در متن آستان قدس و پیشینه آن نهفته و یا باورهای مردمی که به حضور امام هشتم دارند در این هم‌نشینی با مجموعه ملک پیوند می‌خورد و آثار موجود خود نشانهٔ یک باور و ارادت می‌شوند. ازاین‌رو آستان قدس را باید یک بافت و لایه افزوده دیگر بر مجموعه بدانیم که نگرش‌ها و برنامه‌های دوره‌های مختلف این سازمان هم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر سوق دهی و یا معناسازی این مجموعه‌ها اثر دارد. باورها و نگرش‌های مردمی به آستان قدس نیز بر نگرش آن‌ها به آثار هم اثر دارد ازاین‌رو لایه آستان قدس در معناسازی این مجموعه نقش به سزایی دارد.

لایه افزوده دیگر موزه است. حاج حسین ملک مجموعه‌ها را وقف «موزه بودن» کرده است و برایش شرایط و اهدافی را نیز ترسیم کرده است. خود موزه یک متن و بافت جدید است که آثار و مجموعه‌ها را دربر می‌گیرد. این بافت از سویی با بافت مجموعه‌ای تا حدودی همپوشانی دارد. از سوی دیگر حاج حسین ملک برای موزه‌اش هدف ترقی معارف را در نظر گرفته است، ازاین‌رو مجموعه در مسیر این هدف قرار می‌گیرد. همچنین باید در نظر داشت که موزه خود مفهومی متغیر است که در طی عمر تقریباً هشت‌دهه‌ای این موزه، مفهوم، تعریف و کارکرد موزه و موزه‌داری تغییرات بسیاری داشته است و حتی می‌توان گفته موزه از زمان حاج حسین ملک تاکنون راه بسیار دگرگون شونده‌ای را طی کرده و این دگرگونی بعدازاین هم ادامه خواهد داشت و ازاین‌رو مجموعه‌ها و خوانش آن‌ها در فضای موزه‌ای نیز بی‌تأثیر از این دگرگونی‌ها نخواهد بود. موزه اگرچه می‌تواند از بافت مجموعه‌ای تبعیت کند اما درنهایت کار موزه، بافت‌سازی و در حقیقت متن‌سازی است. موزه تمامی مجموعه را به نمایش نمی‌گذارد بلکه از درون مجموعه دست به انتخاب می‌زند و همین انتخاب ایجاد یک بافت تازه است. بافتی که تنها به انتخاب بسنده نمی‌کند بلکه ترتیب و نظم چیدمان آثار، شیوه ارائه آثار و واسطه‌هایی که در کنار آثار قرار می‌گیرد و بر آن‌ها افزوده می‌شود، همگی بافت موزه‌ای و یا متن جدید را می‌سازند. متنی که مخاطب یا بازدیدکننده موزه با آن روبرو است، نمایشگاهی است که موزه ارائه می‌کند. بازدیدکننده

تنها بخش نمایشی را می‌بیند و بخش‌های غیر نمایشی مجموعه‌ها کمتر برای مخاطبین نقش متنی دارند چراکه مخاطب کمتر با آن‌ها در ساحت خوانشی روبرو است و اگر هم امکان خوانشی فراهم می‌شود باید دید که این ارائه در چه بافتی صورت می‌گیرد. این‌گونه است که نمایشگاه آثار را در بافتی جدید ارائه می‌کند و این ارائه خوانشی می‌سازد که می‌تواند لایه‌ای افزوده باشد.

#### بینامتن‌های موزه‌ای شدن

حال باید در نظر داشت که متن موزه‌ای یا نمایشگاهی شدن آثار خود ویژگی‌هایی را می‌سازد که برخوانش آثار تأثیر دارد. نخست اینکه متن موزه ثابت نیست و موزه تنها به نمایشگاه‌های دائمی بسنده نمی‌کند و ایجاد نمایشگاه‌های موقت خود سبب تغییر متن و تغییر مدام بافت‌های دربرگیرنده آثار می‌شود. ازاین‌رو موزه مدام متن سازی می‌کند. این رویداد در کتابخانه و موزه ملی ملک با ایجاد نمایشگاه‌های مختلف ادواری، تک اثر و موضوعی به‌طور برجسته‌ای مشاهده می‌شود. همین ویژگی است که خود سبب تمایز خاص موزه با رسانه‌های دیگر می‌شود. از سوی دیگر هم‌نشینی مجموعه‌ها و نمایشگاه‌ها در موزه ملک یعنی هم‌نشینی متن‌ها، این هم‌نشینی فضایی بینامتنی را می‌سازد که مخاطب را از متنی به متنی دیگر می‌کشاند. مخاطب با حضور در متنی خوانش‌هایش از متن دیگر را با خود همراه می‌برد و درنتیجه داده‌هایی را از متنی به متنی دیگر می‌برد که بر خوانش متن‌ها اثر می‌گذارد. خوانشی که می‌تواند امکان مقایسه تطبیقی، قیاس معنایی و یا ورود نقل‌قول‌ها را به خوانش دیگر را فراهم می‌سازد. در گوشه‌ای کتابخانه و موزه ملک مجموعه سکه‌ها قرار دارد و در گوشه دیگر شاهد مجموعه‌هایی از آثار لاک، مجموعه هنرهای تزئینی و مجموعه‌های کتابت و نگارگری هستیم. روایت تاریخی سکه‌ها می‌تواند بر خوانش آثار لاک و یا خوشنویسی‌ها اثر داشته باشد. برگزاری یک نمایشگاه موضوعی درباره زیبایی می‌تواند این مفهوم را در نمایشگاه دائمی نیز تسری دهد و شاخص‌های بیان‌شده در نمایشگاه زیبایی در فضای سالن‌های دائمی هم دیده و خوانده شود. حتی تأکید نمایشگاه خاندان غفاری و کمال‌الملک بر وجود خاندان‌های هنری در فرهنگ ایرانی می‌تواند متنی باشد که گسترش‌یافته و با خوانش مخاطب در نمایشگاه‌های دیگر همانند آثار خوشنویسی هم جستجو و خوانده شود. این‌گونه است که در کتابخانه و موزه ملک با

موقعیتی بینامتنی روبرو هستیم. بینامتنی که نمی‌گذارد موزه و خوانشگرش به یک روایت بسنده کند بلکه روایت‌ها و متن‌ها درهم‌تنیده می‌شوند. همان‌گونه که کتابخانه و موزه ملک به یک مجموعه بسنده نمی‌کند و در آن از خوشنویسی و نگارگری تا سکه، تمبر، علوم اسلامی، نقاشی و... دیده می‌شود، خوانش موزه‌ای آن نیز در یک متن نمی‌ماند و مدام در میانه متون مختلف حرکت می‌کند و از متنی به متن دیگر می‌رود و از سویی دیگر خود از میانه متن‌های موجود متن‌سازی‌های تازه می‌کند و درواقع از روایت‌های پیشین گذر کرده و روایت‌هایی اکنونی می‌سازد که می‌توان این متن‌های تازه را به روایت موزه ملک قلمداد کرد. در این جایگاه بینامتنیت خود را نشان می‌دهد. بینامتنیت از نوعی که نقل‌قول‌های پیشین را در خود حدید(متن موزه) جای می‌دهد. البته باید در نظر داشت که موزه خود یک بینامتنی است یعنی متنی است که روایت آن بر پایه آثاری شکل می‌گیرد که از جای دیگری به آن آورده شده‌اند این‌گونه است که می‌توان آثار را نقل‌قول‌هایی از متن‌های پیشینی دانست.

خوانش آثار هنری موجود در مجموعه‌های کتابخانه و موزه ملی ملک را باید متأثر از وجود مؤلف‌های گوناگون از مؤلف‌های هنری تا مؤلف گردآورنده یعنی حاج حسین آقا ملک و همچنین وجود لایه‌های مختلف و بافت‌های گوناگونی دانست که هرکدام سعی می‌کنند سمت معنایی متن را به سویی بکشانند و یا معنایی را به خوانش آثار اضافه کنند، ازاین‌رو نمی‌توان فضای خوانشی و معنایی آثار هنری موجود در این مجموعه را بسته دانست، آنچه اتفاق می‌افتد بازی میان لایه‌ها، بافت‌ها و متن‌هاست که خوانشگران را به سمت‌وسوهای معنایی مختلف می‌کشاند و بستری باز می‌سازد که می‌تواند مخاطبین و خوانش را در شرایطی قرار دهد که مدام دست به تولید و دریافت و روایت می‌زند. پیوند مخاطب با موزه، پیوند با متن‌ها و بافت‌ها می‌شود و اثر در ساحت اکنونی یعنی در فضای موزه متولد می‌شود و معناهای تازه به خود می‌گیرد که دیگر تنها آن اثر پیشین نیست بلکه اثری تازه است که محصول کتابخانه و موزه ملک است. این‌گونه است که علاوه بر روایت‌ها و معناهای زیباشناسانه و تاریخی می‌توان معناهای تازه‌ای برای آثار هنری در این مجموعه متصور شد.



حاج حسین ملک، ۱۲۵۰ - ۱۳۵۱ ه. ق.